

بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با تاب آوری دانش آموزان

فریبا دلسوز،

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد رشت

چکیده

اکثر محققان بر این باورند که عوامل متعددی از جمله: ویژگی‌های درونی، روانی-اجتماعی، حمایت اعضای خانواده و دوستان، در ایجاد و ارتقای میزان تاب آوری افراد نقش دارند. پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری با تاب آوری در دانش آموزان انجام شد. به استناد جدول مورگان نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰۰ دانش آموز (تعداد ۱۰۰ دانش آموز دختر و ۱۰۰ دانش آموز پسر) دبیرستان‌های نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم شهرستان رشت در سال ۹۶ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی-خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیر تاب آوری از مقیاس کانر و دیویدسون (CD-RISC، ۲۰۰۳) و متغیر فرزند پروری را با پرسش‌نامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۱)، جمع‌آوری شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و داده‌ها به روش رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه این تحقیق نشان دهنده آن است که بین شیوه‌های فرزند پروری و تاب آوری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی

تاب آوری، شیوه‌های فرزند پروری، دانش آموزان

مقدمه

یکی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار بر رفتار فرد، خانواده است. محیط خانواده اولین و با دوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. کودک خصوصیتی را از والدین خود به ارث می‌برد بدین طریق پدر و مادر زمینه‌ی رشد و پیشرفت فرزندان را فراهم می‌آورند. نفوذ والدین بر فرزندان تنها محدود به جنبه‌های ارثی نیست، بلکه پدر و مادر، در آشنایی کودک به زندگی جمعی و فرهنگ جامعه نیز، نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. موقعیت اجتماعی خانواده، وضع اقتصادی آن، افکار و عقاید، آداب و رسوم، ایده‌آل‌ها و آرزوهای والدین و سطح تربیت آنان در طرز رفتار کودکان نفوذ فراوان دارد (شریعت‌مداری، ۱۳۸۸).

مهمترین تماس‌های کودک در خانواده با والدین است این تماس‌ها نقطه‌ی کانونی فرهنگ کودک را ایجاد می‌کند. رفتار اولیاء کودک چه خشن، چه محبت‌آمیز و چه منع‌کننده باشد یا او را آزاد بگذارد، غالباً مطابق الگوهای فرهنگی خاص انجام می‌گیرد به هر حال کودک طبق فرهنگ خاص پدر و مادر خود مراقبت و تربیت می‌شود و رفتار او از جنبه‌های مختلف، مطابق با فرهنگ جامعه‌ای می‌باشد که در آن

زندگی می‌کنند و نظر و رأی پدر و مادر نیز در آن مؤثر است. نوع زندگی خانگی کودک، در رشد شخصیت او نیز تأثیر مهمی دارد و این نیز به وسیله‌ی والدین معین می‌شود. مادران و پدرانی که به علت تجارب قبلی دوران کودکی خود، در انجام دادن وظیفه خطیر خود، تزلزل و عدم اطمینان خاطر احساس می‌کنند، ثبات عاطفی ندارند و به فرزندان شان نظر نامساعد دارند، یا درباره‌ی روش تربیت با یکدیگر موافق نیستند، در این صورت زندگی خانگی نامطلوبی برای رشد شخصیت کودکان و فرزندان فراهم خواهند آورد (واحدی سریگانی، ۱۳۹۱).

تاب آوری^۱ یکی از مفاهیم و سازه‌های بهنجار مورد توجه و مطالعه‌ی روان‌شناسی مثبت‌نگراست. تاب آوری به فرآیند پویای انطباق مثبت با تجربه‌های تلخ و ناگوار اطلاق و فراتر از جان سالم به در بردن از استرس و ناملایمات زندگی است. هم‌چنین تاب آوری را به معنای مهارت‌ها و خصوصیات و توان‌مندی‌هایی تعریف می‌کنند که فرد را قادر می‌سازد با سختی‌ها، مشکلات و چالش‌ها سازگار شود. هر چند برخی از ویژگی‌های مرتبط با تاب آوری را می‌توان یاد داد و تقویت نمود، با یک جمع‌بندی کلی می‌توان تاب آوری را شامل موارد زیر دانست: حفظ آرامش زیر فشار، انعطاف‌پذیری در مواجهه با موانع، اجتناب از راه‌برد‌های فرسایشی، حفظ خوش‌بینی و احساسات مثبت به هنگام دشواری و خلاص شدن از موانع درونی (آلورد^۲، بسگار^۳ و دیانا^۴، ۲۰۰۵). با توجه به موارد گفته شده، هدف اصلی از این پژوهش، بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری با میزان تاب آوری در دانش آموزان است.

روش پژوهش

در ابتدا جامعه مورد مطالعه به اختصار معرفی می‌گردد، پژوهش از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. تحقیق کاربردی در جستجوی دستیابی به یک هدف عملی است. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. از لحاظ روش گردآوری اطلاعات روش تحقیق حاضر توصیفی است. تحقیق همبستگی نیز در زیر مجموعه تحقیقات توصیفی قرار دارد و به منظور بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری به کار می‌رود. با توجه به ابزارهای مورد استفاده، عنوان پژوهش و همچنین تلاش پژوهش‌گر در بررسی ارتباط شیوه‌های فرزند پروری با تاب

¹.resilience

².alvord

³.bcgar

⁴.diana